

# درس‌های عبرت جنگ عراق

عبدالعزیز سلیمی

سایه حاکمیت حزب بعث وجود داشت، و زمینه‌ها و واقعیت‌هایی از تفرقه و پراکندگی و نزاع را میان جامعه عراق پدید آورده و اکثریت پیروان اندیشه‌ها، احزاب و فرهنگ‌ها را علیه حزب بعث و صدام حسین و عشیره او به کینه و مقابله وادار گردانیده بود.

این ادعا درست هم زمان با پنهان شدن سران نظام عراق در قالب شادمانی‌های گسترده از طرف مردمی که مورد بی‌مهری و سرکوب قرار گرفته و از قدرت و ثروت محروم گردیده بودند، کاملاً مشهود بود. آن هم نه به خاطر اظهار علاقه و خوش آمدگویی به بیگانگان، بلکه تنها به خاطر امید به امنیت و آزادی و رهایی از نظام دیکتاتوری حزب بعث.

## درس دوم:

این درس به تلاش حکومت‌هایی ارتباط دارد که همه امکانات خود را برای تشکیل ارتش و نیروهای نظامی در راستای رویارویی با مخالفان و حمایت از حاکمیت حزبی و قدرت و ریاست خود، به کار می‌گیرند، و همه هواداران و اقوام و خویشاوندان خود را بر آن مسلط می‌نمایند و بیشترین حقوق و امتیازات را برای آنها قایل می‌شوند.

چنین اقدام و تلاشی در نهایت زمینه را برای ضعف و آسیب‌پذیری آن نظام و فروپاشی آن در اولین تهاجم خارجی فراهم می‌نماید.

این قضیه به تمام معنی در اولویتهای کاری نظامی زمامداران بعثی عراق قرار داشت، و آنان همه امکانات مادی و معنوی و تسلیحاتی خود را در اختیار «گارد ریاست جمهوری» که تقریباً تمامی آن از عشیره و همشهریهای صدام حسین بودند، قرار داده بودند تا از نظام و ریاست جمهوری صدام حسین در برابر مخالفان حمایت کنند.

همچنین اهتمام مشابهی را برای فدائیان صدام که

درس‌ها و عبرتهای بسیاری را از رویداد جنگ آمریکا و انگلیس به نمایندگی از صهیونیسم بین‌الملل در عراق که با مقاومت قهرمانانه مردمی در شهرهای جنوب آغاز گردید و به فرار رهبران و فرماندهان نظامی در پایتخت و سپردن سرنوشت مردم به بیگانگان پایان یافت می‌توان آموخت.

ماجرایی که به صحنه‌های خیانت‌آلود والی شهر «عکا» در فلسطین در جریان جنگ‌های صلیبی و در عصر فرمانروایی صلاح‌الدین ایوبی و سرازیر شدن صلیبی‌ها به ممالک عربی، شباهت بسیار داشت.

هدف ما از بیان درس‌های عبرت جنگ و تهاجم آمریکا و انگلیس، بررسی آنچه که در بغداد روی داد و منجر به فروپاشی حاکمیت نزدیک به نیم قرن حزب بعث در عراق گردید نیست، بلکه در آن بیشتر در پرتو آنچه روی داد به درس‌های عبرتی خواهیم پرداخت که می‌توانند برای آینده مورد بهره‌برداری قرار گیرند و از فاجعه‌های دیگری جلوگیری نمایند.

## درس یکم:

پند و عبرت اول به غیر ممکن و یا بی‌حاصل بودن پایداری نظامهای حکومتی دیکتاتوری در برابر دشمنان و اشغالگران ارتباط دارد. حکومت‌هایی که پایه‌های قدرت آنها بر روی:

۱- ایدئولوژی خاص حزبی (حزب بعث)،

۲- عشیره و طایفه‌ای خاص (قبیله تکریت)،

۳- استفاده ابزاری از مذهب (اهل سنت)،

قرار داشته باشد و همه اندیشه‌ها، احزاب و طوایف و مذاهب دیگر را در حاشیه قرار بدهد و یا سرکوب کند، و ملیت‌های دیگر را منزوی گرداند، از پایه‌های مردمی استوار محروم می‌ماند.

این قضیه درست همان چیزی است که در عراق و در

بیکره اصلی آن را اعضای حزب بعث تشکیل می داد، قایل شده و ارتش عراق را از امکانات مادی و معنوی مذکور محروم ساخته بودند.

لازم به یادآوری است که این ارتش عراق و نیروهای مردمی محروم از امکانات و تسلیحات کافی بود که مدت ۲۱ روز را قهرمانانه در برابر نیروهای مهاجم جنگیدند، البته نقش داوطلبان عرب را در رویارویی با آمریکایی ها و انگلیسی ها در جنگهای جنوب و نزدیکی های بغداد و داخل آن نباید فراموش نمود.

برای مثال در حالی که سپاه سوم ارتش عراق در جنوب به سختی با مهاجمین مقابله می کرد، پس از مشخص شدن آثار و شواهد ضعف نظام، اولین کسانی که دست خود را به علامت تسلیم بالا بردند و مخفی شدند، سران و فرماندهان گارد ریاست جمهوری و فدائیان صدام حسین بودند، و همه تانک ها و اسلحه های سبک و سنگین و موشک های میان برد آنان انگار آب شدند و در زمین فرورفتند!

در عین حال بقایایی از ارتش عراق و داوطلبان عرب که با هدف انتقام از انگلیسی ها و آمریکایی ها و کشتن تعداد هر چه بیشتری از آنها و جهاد در راه خداوند به عراق آمده بودند، همچنان در بغداد و دیگر شهرهای عراق به مقاومت خود ادامه داده و می دهند.

#### درس سوم:

وجود فاصله میان مردم و نظام های حاکم سبب می شود که چنانچه حکومت ها در معرض سقوط و فروپاشی قرار بگیرند، مردم از آنها دفاع ننمایند، یا حداقل میزان دفاع از آنها به شدت کاهش پیدا کند. زیرا انگیزه ای و هدفی برای مردم باقی نمی ماند تا از آن دفاع کنند.

برای پیشگیری از ایجاد فاصله میان مردم و حکومت ها تنها راه گسترش آزادی مدنی و مشروع و احترام به رای و نظر مردم و صاحبان علم و خرد و ایجاد فضای مناسب برای تشکیل احزاب قوی و کارآمد برای کنترل و نظارت بر سیر صحیح امور و رقابت میان آنها برای خدمت هر چه بهتر به مردم است.

وعده آزادی و دموکراسی برای مردم عراق قبل از سقوط حزب بعث برگ برنده بسیار مهمی بود که در اختیار آمریکایی ها قرار داشت، و همین موضوع باعث شده بود که آمریکایی ها پیش از آغاز جنگ از استقبال مردم عراق از آنها با گل و شیرینی سخن بگویند، اما اگر جنگ غیر قانونی و غیر انسانی و ویرانگر و کشته شدن هزاران عراقی توسط آمریکایی ها و انگلیسی ها نبود، تعداد بسیار زیادی از مردم عراق برای کسب آزادی و رهایی از دیکتاتوری حزب بعث قطعاً با گل و شیرینی از آمریکایی ها استقبال به عمل می آوردند.

از این درس و عبرت ها نمونه های بسیاری در گذشته وجود داشته که می توان به وجود جدایی میان مردم و حکومت ها در آلمان شرقی، اتحاد شوروی، ایران زمان شاه، و اخیراً در عراق اشاره کرد که در همه آنها مردم در نهایت امر حکام خود را تنها گذاشتند و زمینه سقوط شان را فراهم کردند.

#### درس چهارم:

آمریکا در جنگ با عراق به هیچوجه پیروز نشد، و مردم عراق نیز دچار شکست نگردیدند، زیرا جنگی حقیقی و گسترده در بغداد روی نداد، و بهترین توصیف اوضاع از آغاز تا پایان جنگ این بود که تعدادی از زمامداران و فرماندهان عراق ۲۰ روز به دروغ از مقاومت سخت نیروهای خود در بغداد و شکست و خودکشی دشمن در دروازه های آن سخن می گفتند، اما زمانی که کار برایشان سخت شد و از حمایت گسترده مردم عراق به ویژه مردم بغداد ناامید گردیدند، نزدیکان نظام فرار را بر قرار ترجیح دادند. و این کار آنها در واقع زدن خنجر بر پشت مبارزان واقعی اعم از ارتشیان و داوطلبان عرب و تعدادی از نیروهای مردمی به شمار می آمد.

بر همین اساس بود که زمینه سقوط سریع نظام فراهم شد و به عبارت دیگر میدان را برای نیروهای مهاجم خالی کردند، و تنها عده اندکی از نیروهای مردمی و داوطلبان کرد و عرب و بخشهای کوچک و پراکنده ای از ارتش عراق باقیمانده بودند که در برابر مهاجمان مقاومت می کردند.

در میان ارتش های کشورهای عربی و اسلامی از چند جهت ضعف و معایب بزرگی وجود دارد که می توان به وفاداری آنان به حکام و زمامداران، بیش از حمایت از مصالح مردم اشاره نمود، و این چنین نقصی حاصل سیاست های غلط بسیاری از آن حکومت ها است.



درس پنجم:

در میان ارتش‌های کشورهای عربی و اسلامی از چند جهت ضعف و معایب بزرگی وجود دارد که می‌توان به وفاداری آنان به حکام و زمامداران، بیش از حمایت از مصالح مردم اشاره نمود، و این چنین نقضی حاصل سیاست‌های غلط بسیاری از آن حکومت‌هاست.

از طرف دیگر در مورد اوضاع و احوال آن ارتش‌ها عدم شفافیت بسیاری وجود دارد که می‌توان به خریدهای تسلیحاتی که معمولاً اسرار نظامی تلقی می‌شوند، و اخبار تلفات و خسارتهای آنها در اثنای جنگ اشاره نمود، و این موضوع در مورد عراق وضوح بیشتری داشت.

این صحیح است که گزارش‌های وزارت دفاع آمریکا در مورد تعداد تلفات نیروها و خسارات نظامی کاملاً مشکوک و غیر قابل قبول است، و با هدف جلوگیری از اعتراض افکار عمومی آمریکا صورت می‌گیرد. اما طرف عراقی نیز در طول آن ۲۱ روز به کشته شدن حتی یک سرباز عراقی اشاره ننمود، در حالی که آمریکایی‌ها هر روز از کشته شدن صدها سرباز عراقی خبر می‌دادند. در میان کشورهای عربی این تنها مصر بود که در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ م تلفات و خسارت جنگی خود را اعلام می‌کرد.

علی‌رغم پایان جنگ در عراق همچنان برای بسیاری از مردم و ناظران سیاسی و نظامی این پرسش مطرح است که: آیا اخبار و گزارش‌های آمریکایی‌ها در مورد بمباران و موشک‌باران گسترده لشکرهای پولادین گارد ریاست جمهوری و نابودی گسترده افراد و امکانات آنها درست بود که زمینه را برای فروپاشی نظام فراهم کرد؟ همه می‌دانند که این نوع از اخبار و گزارش‌ها دارای پیامدهای روانی بسیاری برای مردم خواهد بود.

درس ششم:

غارت و چپاول گسترده وزارتخانه‌ها و ادارات پس از وارد شدن نیروهای آمریکایی به بصره و بغداد از اوضاع و احوال معیشتی سخت بسیاری از عراقی‌ها حکایت داشت که محاصره همه جانبه دوازده ساله آمریکا از نظر اقتصادی زندگیشان را

دچار مشکلات سختی نموده و جمع زیادی از آنان را با فقر و تنگدستی، دست به‌گریبان نموده بود. همچنین بیانگر میزان اختناق و سرکوب مردم توسط اعوان و انصار حزب بعث و تسلط آنها بر مراکز قدرت و ثروت کشور بود.

درس هفتم:

آنچه در عراق روی داد، در هر کشور عربی و اسلامی دیگری که همانند رژیم قبلی عراق از طریق نظام تک حزبی و تک قبیله‌ای و تک مذهبی زمام حاکمیت و ثروت را در اختیار خود و اعوان و انصار و اطرافیانش نگاه داشته‌اند، و تسلط بر امور کشورها را ارث آبا و اجدادی خود و اطرافیانشان می‌شمارند، ممکن است دیر یا زود روی بدهد. بویژه زمانی که شرایط منطقه و جهان دچار تحول شود و حامیان خارجی آنان از حمایتشان دست بردارند، آن نظام‌ها همچون بخار آب در هوا پراکنده خواهند گردید. همین موضوع باعث گردید که بسیاری از تحلیل‌گران بر این باور باشند که: پائین آوردن مجسمه صدام مقدمه‌ای خواهد بود برای فرو ریختن قریب الوقوع مجسمه‌ها و عکس‌های بسیاری دیگر از حاکمان ممالک عربی و اسلامی که نیروهای نظامی و امنیتی آنها علی‌رغم تجارب و امکانات گسترده، نمی‌توانند از نظام‌هایی که از پشتوانه مردمی محرومند حمایت کنند.

درس هشتم:

قدرتهای بزرگ در نهایت در مورد مصالح خود به توافق خواهند رسید، هر چند در مورد سهم هر یک از غنایم به دست آمده ممکن است اختلافاتی میان ایشان بروز نماید.

اختلاف نظرهای پیش آمده میان کشورهای روسیه، آلمان و فرانسه از یک طرف، و آمریکا و انگلیس از طرف دیگر در مورد جنگ به هیچوجه به خاطر دوستی با صدام حسین و یا مردم عراق نبوده، بلکه اختلاف میان آنها ناشی از نگاه متفاوت آنها در مورد مصالح استراتژیک و توازن نیروهای بین‌المللی است. همچنین تفاوت نگرش و موضع‌گیری آنها بر خاسته از ارزش‌های اخلاقی و اصول و مبانی انسانی نبوده و نیست، زیرا

■ حکومت‌ها و اکثریت احزاب غربی در سیاست نقش و جایگاهی را برای ارزش‌ها و اخلاق قایل نیستند و به شیوه‌ای گسترده در مورد منافع و مصالح خود بر اساس روش ماکیاوولی «هدف وسیله را توجیه می‌نماید» عمل می‌کنند.

حکومت‌ها و اکثریت احزاب غربی در سیاست نقش و جایگاهی را برای ارزش‌ها و اخلاق قایل نیستند و به شیوه‌ای گسترده در مورد منافع و مصالح خود بر اساس روش ماکیاولی «هدف وسیله را توجیه می‌نماید» عمل می‌کنند.

قبل و پس از آغاز جنگ آمریکا علیه عراق، آلمان و فرانسه به صراحت اعلان کردند که امیدوارند، آمریکا در عراق پیروز نگردد و نظام حکومت عراق دچار شکست نشود! اما بلافاصله پس از فروپاشی حکومت عراق، فرانسه از سقوط نظام صدام حسین و شکست عراق در جنگ استقبال نمود و ژاک شیراک رئیس‌جمهور آن کشور از سقوط نظام صدام حسین اظهار شادمانی نمود؟! حتی روسیه که سربازان آمریکایی سفیرش را به قصد کشتن هدف قرار داده بودند، پس از سفر خانم کوندولیزا رایس به آن کشور برای اطمینان خاطر دادن به روسیه به سهم گردانیدن شرکت‌های روسی در بازسازی صنایع نفت عراق، اعلام کرد که هدف قرار گرفتن سفیرش را، اقدامی عمدی به شمار نمی‌آورد؟!

درس نهم:

مهمترین اهداف آمریکا و انگلیس از تهاجم نظامی به عراق عبارتند از:

۱- تسلط بر منافع نفتی و ثروت‌های سرشار عراق؛

۲- گسترش سلطه و نفوذ نظامی و سیاسی آمریکا در منطقه؛

۳- حفظ امنیت و مصالح رژیم صهیونیستی اسرائیل.

از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی، که تاکنون اثری از آن به دست نیامده، بهانه‌ای بیش نبوده است و «هانس بلیکس» رئیس‌گروه بازرسان سازمان ملل به صراحت گفته بود که: هدف ساقط کردن نظام صدام حسین بوده است و از نظر آمریکایی‌ها موضوع از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی عراق در مرتبه چهارم قرار داشته است!

طرح آمریکا برای عراقی جدید و ارائه و تبلیغ آن به عنوان الگویی برای دموکراسی مهار شده برای آمریکا هدفی استراتژیک به شمار می‌آید.

آمریکایی‌ها حتی می‌خواهند در مسائل فرهنگی و آموزش و پرورش عراق آینده دخالت کنند و با این هدف سازمان آمریکایی «توسعه بین‌المللی» مبلغ ۱۵ میلیون دلار را برای تغییر بنیادین در شیوه آموزش و پرورش و تغییر کتاب‌های درسی و حذف آیات، احادیث و اندیشه‌های ضد آمریکایی و یهودی، اختصاص داده است.

همین سازمان برای ایجاد آن تغییرات در نظام آموزش و پرورش افغانستان به روشی که برای غرب قابل قبول باشد، مبلغ ۵۱۶ میلیون دلار را در نظر گرفته است.

درس دهم

سقوط سریع نظام صدام حسین، اشتباهی آمریکایی‌ها را برای وارد نمودن فشار هر چه بیشتر بر دیگر کشورهای عربی و اسلامی برای تسلیم شدن در برابر خواسته‌های آن کشور افزایش داده است، و آنهایی را که حاضر به پذیرش خواسته‌هایش نیستند به دچار شدن به سرنوشت صدام حسین تهدید می‌نماید.

اخیراً معاون وزیر خارجه آمریکا به کشورهایمانند ایران، سوریه و کره شمالی که از نظر آنها برای بدست آوردن اسلحه کشتار جمعی تلاش می‌نمایند، هشدار داد که باید از سرنوشت رژیم عراق عبرت بگیرند؟!

زامداران رژیم صهیونیستی نیز برای وارد کردن فشار هر چه بیشتر بر مردم مجاهد و مظلوم فلسطین از شرایط جدید استفاده نموده و «شاؤل» معاون نخست‌وزیر اسرائیل در امور خارجه اظهار امیدواری نموده که، لازم است فلسطینی‌ها از آنچه که در عراق روی داد درس عبرت بگیرند. و رهبران فلسطینی باید بیشتر در راه صلح با اسرائیل و تأمین امنیت آن کشور گام بردارند و برای سرکوبی سازمان‌های مخالف صلح مانند حماس، جهاد اسلامی و گردان‌های شهدای الاقصی، اقدامات بیشتری را به عمل بیاورند؟!

\*○●\*

■ سازمان  
آمریکایی  
«توسعه  
بین‌المللی» مبلغ  
۱۵ میلیون دلار  
را برای تغییر  
بنیادین در شیوه  
آموزش و  
پرورش و تغییر  
کتاب‌های درسی  
و حذف آیات،  
احادیث و  
اندیشه‌های ضد  
آمریکایی و  
یهودی،  
اختصاص داده  
است.